

## پاک - پاگ

علی اشرف صادقی

در پادشاهی کیخسرو در شاهنامه (داستان بیژن و منیژه) بیتی به صورت زیر آمده است:

کنم آفرین بر نیاگان ما گزیده جهاندار و پاکان ما

(فردوسی ۱، ج ۳، ص ۳۴۴، ب ۵۴۶)

در شاهنامه قرن هشتمی متعلق به دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (← همو ۲، ص ۳۴۴) نیز ضبط بیت به همین صورت است. در شاهنامه سن ژوزف (← همو ۳، ص ۳۲۲) نیز ضبط کلمه حاوی قافیه به همین شکل است، جز آنکه ردیف بیت به جای «ما»، «من» است.

اگر «نیاگان» در مصراع اول را مطابق تلفظ امروز نیاکان بخوانیم قافیه بیت اشکالی ندارد، اما با ضبط پذیرفته شده از سوی دکتر خالقی مطلق مختصر اشکالی در آن هست. خالقی در این باره چنین نوشته است: «در این بیت نیاگ (پهلوی niyāg) با پاک که در حرف روی اختلاف دارند، قافیه شده است، ولی به علت نزدیکی مخرج جایز است و این عیب را اکفاء گویند. گذشته از این، قافیه موصول نیز هست و این از عیب قافیه می‌کاهد.» (خالقی مطلق، ص ۱۰۳). اما اشکال قافیه به شکل دیگری نیز از میان می‌رود و آن این است که «پاک» را «پاگ» بخوانیم. پاگ تلفظی است که در قرون چهارم و پنجم در بعضی مناطق خراسان که نمی‌دانیم کجاست رایج بوده است. در آستان قدس رضوی قرآن کهن مترجمی هست به شماره موقت ۴ که

مرحوم دکتر احمدعلی رجایی بخارایی آن را در کتاب متنی پارسی از قرن چهارم هجری؟ معرفی کرده و براساس مقایسه ترجمه آیات آن با ترجمه‌های زیر سطر و نیز ترجمه‌های همان آیات در متن ترجمه تفسیر طبری و استواری این ترجمه پرسیده است آیا این ترجمه همزمان با ترجمه تفسیری طبری نیست؟ وی فرهنگی الفبایی نیز از لغات متن قرآن و ترجمه فارسی آنها تدوین کرده بوده که پس از مرگ وی مرحوم دکتر عزیزالله جوینی آن را در ۱۳۶۳ در مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی به چاپ رسانده است. رجایی در مقدمه این فرهنگ، صفحه هشتاد و شش می‌نویسد که کلمه پاک در این ترجمه به صورت «پاک» = پاک ضبط شده است. در صفحه هفتاد و هفت نیز می‌نویسد که پاکیزه نیز در این ترجمه به شکل پاکیزه آمده است.

یادآور می‌شود که در جلد سوم فرهنگنامه قرآنی، ص ۱۳۲۲ نیز به نقل از قرآن شماره ۴۶۶، احتمالاً از قرن هفتم، پاکیزه یک بار به صورت پاکیزه آمده است. بنابراین می‌توان تصور کرد که فردوسی در بیت مذکور پاکان را پاکان تلفظ می‌کرده است. احتمالاً در برخی متون دیگر و از جمله بعضی از ترجمه‌های قرآنی این کلمه پاک بوده که کاتبان آن را با املای ناقص «ک» پاک نوشته‌اند. در بیتی از دقیقی که در لغت فرس اسدی، ذیل «اژدهاک» (اسدی، ص ۲۵۳) آمده کلمه نیاک به قرینه کلمات دیگر بیت ظاهراً باید نیاگ خوانده شود. بیت این است:

ای شاهی که ملک تو قدیمی نیاک برد پاک از اژدهاکا

به جای پاک در یک نسخه دیگر لغت فرس تخت آمده، اما در یک نسخه از فرهنگ سروری (ص ۵۴) به جای تخت تاج آمده که براساس آن می‌توان حدس زد پاک در لغت فرس تصحیف «تاج»، صورت فارسی تاج است. بنابراین می‌توان گمان کرد که اژدهاک نیز مطابق تلفظ فارسی میانه آن با «گ» تلفظ می‌شده است. بنابراین احتمالاً کلمات «کراک» به معنی مرغی سپید و سیاه با دُمی دراز که در کنار رودها می‌نشیند و «خباک» به معنی حظیره یا چهاردیواری خاص گوسفندان و «هزاک» به معنی ابله و نادان که زود فریفته شود، در لغت فرس (اسدی، ص ۲۵۲ و ۲۵۳) نیز کراگ، خباگ و هزاک تلفظ می‌شده‌اند. برای هر یک از این سه کلمه نیز در لغت فرس بیتی از دقیقی شاهد آورده شده که با بیت مذکور

در فوق به احتمال قریب به یقین از یک قصیده‌اند.

حال می‌توان احتمال دیگری را نیز به صورت پرسش مطرح کرد و آن این که چرا در کنار «نیا» که در فارسی کلمه بسیار پرکاربردی بوده است «نیاک» با کاف تازی پایانی نیز کاربرد یافته است. می‌دانیم که نیا در سغدی به شکل niyāk به کار می‌رفته است. پس احتمال می‌رود که نیاک در شعر دقیقی همین صورت سغدی کلمه باشد که وارد فارسی شده بود و در جمع به شکل نیاکان با کاف تازی به کار رفته است. علاوه بر فارسی ایران، در فارسی تاجیکی نیز نیاکان به همین صورت به کار می‌رود. البته در فرهنگ‌های تاجیکی شکل نیاگان نیز ضبط شده است. اگر صورت جمع نیا در فارسی نیاگان با کاف فارسی niyāgan بوده بسیار بعید است که g میان دو مصوّت به k بدل شود، در حالی که عکس آن صادق است، یعنی k میان دو مصوّت به g بدل شود. پس می‌توان احتمال داد که در فارسی قدیم نیاکان به همین صورت، یعنی با تلفظ niyākān رایج بوده و با «پاکان» قافیه شده است. در فارسی صورت جمع کلمات مختوم به -ā، در صورتی که با -ān جمع بسته شوند با y میانجی به کار می‌رفته و می‌رود و نیا قاعدتاً باید به صورت «نیایان» به کار می‌رفت. پس نیاکان شکلی استثنایی است و تنها احتمالی که در مورد آن می‌توان داد این است که نیاکان جمع نیاک مأخوذ از سغدی باشد.

## منابع

- اسدی، علی بن احمد، کتاب لغت فرس، به کوشش عباس اقبال، تهران ۱۳۱۹.
- خالقی مطلق، جلال، یادداشت‌های شاهنامه، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران ۱۳۸۹.
- رجایی بخارایی (۱)، احمد علی، متنی پارسی از قرن چهارم هجری؟، آستان قدس رضوی، ش ۲، سازمان امور فرهنگی و کتابخانه‌ها، مشهد [۱۳۴۹].
- (۲)، فرهنگ لغات قرآن خطی آستان قدس رضوی، ش ۴ با ترجمه فارسی کهن، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران ۱۳۶۳.
- سروری کاشانی، مجمع الفوس، به کوشش محمد دبیرسیاقی، علی اکبر علمی، تهران ۱۳۳۸-۱۳۴۱.
- فردوسی (۱)، ابوالقاسم، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران ۱۳۸۶.
- (۲)، شاهنامه، نسخه برگردان از روی نسخه کتابت اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم هجری قمری، کتابخانه شرقی وابسته به دانشگاه سن ژوزف بیروت، به کوشش ایرج افشار و دیگران، تهران ۱۳۸۹.

— (۳)، شاهنامه فردوسی همراه با خمسة نظامی (چاپ عکسی)، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران ۱۳۷۹.  
یا حقی، محمدجعفر (ناظر)، فرهنگنامه قرآنی، مرکز پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۷۳-۱۳۷۵.

□

